

دو خوشاوند شریف

ویلیام شکسپیر - جان فلچر

مترجم

حمیدرضا ابراهیمی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Two Noble Kinsmen

William Shakespeare & John Fletcher

سرشناسه: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴-۱۶۱۶ م
عنوان و نام پدیدآور: شکسپیر، ویلیام / ویلیام شکسپیر، جان فلچر؛ ترجمه‌ی
چهارم / رضا ابراهیمی
مشخصات ناشر: تهران: نشر طبع، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص؛ تصویر
فروست: سلسله انتشارات - ۲۷ - انتشارات ادبیات نمایشی - ۴۱۵
شابک: ۸ - ۵۰ - ۲۰۱ - ۶۲۲ - ۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: The Two Noble Kinsmen
موضوع: نمایش‌نامه‌ی انگلیسی - قرن ۱۶ م
موضوع: English Drama - Early Modern and Elizabethan, 1500-1600
شناسه‌ی افزوده: فلچر، جان، ۱۵۷۹-۱۶۲۵ م
شناسه‌ی افزوده: Fletcher, John
شناسه‌ی افزوده: ابراهیمی، حمیدرضا، ۱۳۴۳ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: PR
رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۳۰۹
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۸۲۰۹۳

ISBN: 978-622-201-050-8

شابک: ۸ - ۵۰ - ۲۰۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸



دو خويشاوند شريف

ويليام شكسپير - جان فلچر

مترجم: حميد رضا ابراهيمي

صفحه آرا: ژيلا پي سخن

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ: دييجيتال نقش

تيراژ: ۴۰۰ نسخه

بها ۲۰۰۰ تومان

نشر قطره به هيچ وجه از برچوب بران تغيير قيمت استفاده نمي كند.

استفاده از اين اثر، بغير شكاي،

بدون اجازه ممنوع است.

خيابان دكتر فاطمي، خيابان شيخلر (ششم)، كوچه ي بعثت، دك ۸

تلفن: ۳-۵۱ ۳۳ ۹۷ ۸۸

دورنگار: ۸۲ ۰۷ ۷۸ ۸۹

كد پستي: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran



JOHN FLETCHER



William Shakespeare

مقدمه‌ی مترجم

وجود حرف و حدیث‌های خوانش نمایش‌نامه‌ی دوخویشاوند شریف (Two Noble Kinsmen) در مباحث ادبی، تا همین سه دهه‌ی پیش نیز مانع از برشمردن این اثر، در مجموعه آثار ویلیام شکسپیر، این استاد بی‌بدیل عرصه‌ی درام‌نویسی انگلستان، شده بود.^۱ ولی بررسی‌های موشکافانه‌ی منتقدین، وجود مشترکاتی با سایر آثار او، آن را ماعد کرد که این اثر هم مانند سایر رومنس‌هایش [به نقل از ویلیام م. مرچانت (M. Merchant) و رابرت ام. آدامز (Robert M. Adams)] مضای ام را بر خود دارد. ولی از طرف دیگر، اختلاف‌نظرهایی مطرح می‌شد که هر یک از این استدلال خاص خود تصمیم‌گیری و قضاوت را در این باره با مشکل مواجه می‌رو کرده بود، چه درباره‌ی خود شخص شکسپیر و چه درباره‌ی کسانی که گفته می‌شد می‌توان امضای آنان را در آثار مشابه جست‌وجو کرد.

تحلیل اول

به نظر تعدادی از صاحب نظران، ناپیستی کارهای شکسپیر را بیش از آن چه که باید، مورد تمجید و تشویق قرار داد:

«... مردی که تحصیل درستی نکرده بود چگونه می توانست این همه نمایش نامه بنویسد و در هر کدام از آن ها استادی خود را نشان دهد، اما فقط مسئله بر سر استادی او نیست، زیرا وی در هیچ رشته ای، جز روان شناسی، اطلاعات وسیع و دقیقی ندارد. شکسپیر از کتاب مقدس فقط مطالبی را می دانست که شاید در کودکی آن ها را خوانده بود؛ اشارات او به کتاب مقدس سبیری و عادی است. معلومات او درباره ی ادبیات یونان و روم قدیم نیز سبیری ظاهراً محدود به ترجمه های آن است. وی اکثر خدایان مشرکان و بت کوچکی ترین آن ها را می شناخت، اما اطلاع او در این باره شاید از ترجمه ی انگلیسی سخن، اثر اووید، بوده باشد. شکسپیر اشتباهات کوچکی کرده است، به بیکن هرگز مرتکب آن ها نمی شد، چنان که تسنوس را دوک نامیده، آربر را سکتور که در قرن یازدهم قبل از میلاد می زیست به ارسطو که در قرن سوم پیش از میلاد می زیست، اشاره کرده است، و شخصی را در نمایش نامه ی کوریولانوس (۵۰۰ ق.م.) بر آن داشته است که از کاتو (۱۰۰ ق.م.) نقل قول کند.»

ولی نمی توان این مطلب را نادیده گرفت که از آن دوره هر کسی به فراخور سطح دانش خود نسبت به رویدادهای فنیکی و سیاسی و اقتصادی، دیدگاه خاص خود را بروز می داد و این پایای اروپای پسارنسانس که مورد اقبال واقع شده بود، جای تعمق بیش تری دارد:

«ابتکار شکسپیر در زبان، سبک، قوه ی تصور، فن درام نویسی، بذله گویی، خلق قهرمان های مختلف و فلسفه زیباست. زبان او غنی ترین زبان ادبی است و در آن پانزده هزار لغت شامل اصطلاحات مربوط به نشان های مخصوص خانوادگی، موسیقی، ورزش، پیشه های مختلف و

لغات مخصوص زندگی اشراف، لهجه‌های گوناگون و لغات عامیانه و هزار گونه ابتکار شتاب‌زده یا زاده‌ی تنبلی دیده می‌شود. شکسپیر از لغت لذت می‌برد و در زوایای لغات تجسس می‌کرد، وی به طور کلی عاشق لغت بود و مشتی لغت را از راه شوخی و سهل انگاری روی کاغذ می‌ریخت و هرگاه از گلی اسم می‌برد، ده دوازده گل دیگر را ذکر می‌کرد، به عقیده‌ی او، لغت‌ها هم دارای عطر بودند. شکسپیر مطالب مفصل و کلمات پر سیلاب را در دهان اشخاص ساده‌ی نمایش می‌گذاشت و با دستور زبان بازی می‌کرد. اسم و صفت و حتی قید را به صورت فعل و فعل و صفت و حتی ضمیر را به صورت اسم درمی‌آورد و در مورد فاعل مفرد، فعل جمع و در مورد فاعل جمع، فعل مفرد به کار می‌برد. اما باید به یاد داشت که در زمان وی هنوز دستور زبان انگلیسی تا این حد ساده نبود. شکسپیر با سرعت می‌نوشت و فرصت تجدید نظر نداشت.»

وېل دورانت (Will Durant)

تحلیل دوم

رابرت ا. آدامز (Robert A. Adams) در کتاب *چهار رمانس* (Four Romances) این نمایش را کار مشترک منچر شکسپیر می‌داند و اظهار می‌کند که:

«منتقدین در پی بررسی و شناخت آثار شکسپیر، کلیدی آثاری را که به نظر می‌رسید در آن‌ها شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد از آثار او خارج کرده و به کناری نهاده‌اند که یکی از این آثار همین *دو خویشاوند شریف* است. هر چند این شک و شبهه در خصوص آثار دیگر وی مثل *تیمون آتنی* و *پریکلس* نیز وجود دارد.»

دیوید دیچز (David Daychez)

تحلیل سوم

در زیر عنوان نسخه‌ی اصلی این نمایش نامه چنین آمده است که:
 دو خویشاوند شریف به اجرا درآمده در بلکفریاریز (Blackfriars) توسط
 گروه خدمت‌گزاران مقام پادشاهی (Kings Maiesties servants)... نوشته
 شده توسط دو تن از با ارزش‌ترین نویسندگان زمان:

● جان فلچر (John Fletcher)

● ویلیام شکسپیر (William Shakspeare)

این چاپ در ۱۶۱۹ در لندن برای جان واترسن (John Waterson) و فروخته
 شده به مت‌مات سیلپنتی در محوطه‌ی کلیسای پولس (Pauls Church-yard)
 در سال ۱۶۳۲.

چه در چاپ نسخه‌های دست‌نویس شکسپیر در ۱۶۶۴ و ۱۶۸۵ و یا در
 نسخه‌های باومونت (Beaumont) و فلچر در ۱۶۷۹، داستان این تراژدی
 (همان‌طور که در «گفتار پیش‌گفتار» این نمایش نامه به آن اشاره می‌شود)
 برداشتی از اثر مشهور داستان‌ها (Knights Tale) از چاوسر
 (Chaucer) بوده است که آن هم برداشتی از «تساید» (Teseide) اثر بوکاچیو
 (Boccaccio) است.

اگرچه سعی بسیار شده تا بیش‌ترین سهم نمایش نامه‌ی دو خویشاوند
 شریف به قلم شکسپیر نسبت داده شود، اما اصلاً نمی‌توانیم بگوییم که

۱. بوکاچیو گویی فقط برای آن که با ابهت خود مقاومت یارش، فیامتا را درهم بشکند، شعری حماسی
 برای او می‌سراید به نام تشبیه که شمار ابیات آن دقیقاً با ابیات/تندیه برابر است. این شعر داستان
 رقابت خونین دو برادر به نام‌های «پالمون» و «آرجیته» در عشق به «املیا» است؛ برادر پیروز در آغوش
 پرمهر معشوق جان می‌سپارد و امیلیا پس از مدتی روگردانی، برادر مغلوب را به خود می‌پذیرد. اما
 شغب وصف عشق حماسی، پس از خواندن نیمی از ۹۸۹۶ بیت، ملال و دلزدگی به بار می‌آورد، به
 همین لحاظ است که خواننده‌ی انگلیسی به مطالعه‌ی خلاصه‌ای از این داستان که چاوسر با مهارت و
 نکته‌سنجی خاص خود تحت عنوان قصه‌ی پهلوان پرداخته، خود را قانع می‌سازد.

بیش‌تر این تغییرات مربوط به ویراستاران متأخر است؛ من نسخه‌ی بازنویسی شده متفاوتی از یکی از دوستانم را در اختیار دارم که فکر می‌کند این نمایش‌نامه‌نویس بزرگ در تکمیل کردن آن نقشی نداشته است. ولی هم کالریج (Coleridge) و هم واکر (Walker) بدون درنگ اظهار کرده‌اند که معتقدند شکسپیر در نگارش این اثر دست داشته است. کالریج پیش‌تر گفته بود که:

من شک ندارم هر آن‌چه در اولین پرده و صحنه‌ی اول پرده‌ی دوم نمایش‌نامه‌ی *خویشاوند شریف* وجود دارد از آن شکسپیر است. [گفت‌وگوهای غیررسمی (Table-Talk)، فصل دوم، ص ۱۱۹، نسخه‌ی ۱۸۳۵]. بر اساس این گزارش، در گفته‌های او مشکلی وجود دارد: «صحنه‌ی اول از پرده‌ی دوم، آشکارا تعانی به چهره‌ی او دارد. بعدتر اشاره می‌کند: «کل پرده‌ی اول بدون شک مشخصاً به دست شکسپیر نگاشته شده است» و هم‌چنین صحنه‌ی اول این پرده، صحنه‌ی اول از پرده‌ی پنجم، مطمئناً از آن شکسپیر است. هم‌چنین می‌توان به دست وOLF شکسپیر از دو خویشاوند شریف مراجعه کرد که توسط اسپل‌دینگ (Spalding) مورد موشکافی قرار گرفته. او تصریح کرده است که:

کل پرده‌ی اول، مطمئناً لحن شکسپیر را دارد. هیچ‌بخشی از پرده‌ی دوم و پرده‌ی سوم، به‌جز صحنه‌ی اول را نمی‌توان ردی از شکسپیر را آن دید. کل پرده‌ی چهارم متعلق به فلچر است و دوباره در پرده‌ی پنجم می‌توان حضور ارباب سخن را مشاهده کرد.

مقاطع متعددی در این بخش، نمایانگر وجود نشانه‌های قاطع از هنر شکسپیر است که به طرق مختلف می‌توانیم آن را در مکبث (Macbeth) و یا کوریولانوس (Coriolanus) ببینیم. همه‌ی خطوط سراسر این پرده را با جسارت می‌توان متعلق به او دانست، به استثنای یک صحنه‌ی چند قسمتی برای بخش مورد علاقه‌ی خودم، معتقدم که همه‌ی این بخش از نمایش‌نامه

را شکسپیر نوشته است که اسپلدینگ هم آن را به او نسبت داده است. اگرچه من معتقدم بعضی از جاها، شاید توسط فلچر تغییر و یا به آن افزوده شده باشد. من در این جا می‌بایست از کتاب بررسی زندگی و نوشته‌های باومونت و فلچر (Account of the Lives and Writings of Beaumont and Fletcher) نقل قول کنم که در مقدمه‌ی ویرایشی از آثار آنان ذکر کرده‌ام:

«استان چاوسر که دو خوشاوند شریف از آن گرفته شده، در دوره‌ی رمانی خیلی قبل‌تر به نمایش‌نامه تبدیل شده بود. نمایش‌نامه‌ای تحت عنوان پالامون و آرسایت (Palamon and Arcyte) که توسط ریچارد ادواردز (Richard Edwards) در حضور ملکه الیزابت در محوطه‌ی کلیسای مسیح (Christ Church) آکسفورد در سال ۱۵۶۶ به اجرا درآمده بود؛ این مطلب را می‌توان از «دانش‌های هنزلوو» (Henslowe) دریافت که در آن از قطعه‌ای به نام پالامون و آرسایت نام برده شده که بارها در تئاتر نیوینگتن (Newington) در سال ۱۵۹۴، اجرا درآمده بود.

کولیر (Collier) گمان می‌کند که این آخرین اشاره به اجرای برگرفته از نمایش ادواردز باشد که احتمالاً شکسپیر در همان سال در متن پالامون و آرسایت تغییراتی ایجاد کرده بود که به آنها انجام دادن الحاقاتی به وسیله فلچر در نسخه‌ی ۱۶۳۴ به چاپ رسیده است. اما من مشکوکم که پالامون و آرسایت سال ۱۵۹۴ همان قطعه‌ی ناهمگون درام آمده که سال ۱۵۶۶ باشد و من نمی‌توانم خودم را متقاعد کنم که شکسپیر سهم خردی از دو خوشاوند شریف زودتر از سال ۱۵۹۴ نگاشته باشد، مشخص است که از آن در همه جا با شیوه‌ی شکسپیری در سال‌های بعد نیز رویه‌رو بوده‌اند. به هر صورت، من اطمینان خاطر دارم کسانی قبل از فلچر در نمایش‌نامه دست برده‌اند، به عبارت دیگر، دو شاعر نمی‌توانستند به طور هم‌زمان روی آن کار کرده باشند. دخالت‌های فلچر شاید شامل شخصیت‌پردازی دختر زندانبان بوده باشد که در بعضی مقاطع به طور مستقیم از دیوانگی اُفیلیا در هملت برگرفته است. و بسیار

نامحتمل است که اگر دو نمایش نامه‌نویس با هم دیگر روی این تراژدی کار کرده باشند، فلچر نمی‌خواست که با رها کردن متن از مشخصات شعری شکسپیر، خود را به مخاطره بیندازد. در حقیقت، من به طور کامل می‌پذیرم که توضیحات نایت (Knight) درباره‌ی وجود هماهنگی مربوط به داستان فرعی عشق دختر زندانبان به پالامون، دخالتش برای فرار او از زندان، پیامد دیوانگی او و ناهنجاری و عصبان او با کسی که در شرایط موجود عاشق او شده است، طبیعی است که به ذهن شکسپیر خطور نکرده و... فلچر در اگست ۱۶۲۵ درگذشت. اما خب! پیش از آن که دوره او به سر بیاید روی دو خویشاوند شریف کار کرده بود، با نه می‌رانیم مشخص کنیم: و نه اطمینان داریم که در چه تاریخی اصل این نمایش به وی صحنه رفته است.^۱

الکساندر دایس (ALEXANDER DYCE)

تحلیل چهارم

من این نسخه از نمایش نامه‌ی دو خویشاوند شریف را اثری از شکسپیر به حساب می‌آورم چرا که کار مشترک او مربوط به نمایش نامه‌ی دیگری بوده است. من در خصوص سؤالات موجود در این باره بحثی ندارم، به جز این که تعدادی پاراگراف از کتاب هلیول فلیپس (Halliwell Phillipps) به نام: *وزنمای از زندگی شکسپیر* (Outlines of the Life of Shakespeare) را در این جا ذکر کنم که او با ذکر ادله‌ای اظهار کرده که این نمایش نامه‌نویس بزرگ بنا به دلایل زیر در نوشتن این نمایش نامه با هیچ‌کسی همکاری نکرده است:

۱. گفته شده است که در سال ۱۶۶۸ نسخه‌ی دستکاری شده‌ی دو خویشاوند شریف تحت عنوان *حریفان* (Rivals) در تئاتر متعلق به دوک یورک که وابسته به سیر دلیو داوانانت بود، اجرا و با استقبال گرم حضار مواجه شد.

۱. وقتی که جان واترسن (John Waterson) در اکتبر ۱۶۴۶ سه نسخه از نمایش‌های مورد علاقه‌ی خود یعنی *برادر بزرگ‌تر* (The Elder Brother)، *مسیو تامس* (Monsieur Thomas) و *دو خویشاوند شریف* (The Two Noble Kinsmen) را به همفتری موزلی (Humphrey Moseley) واگذار کرد، به طور دقیق نویسندگان آن‌ها مشخص نبودند و هر سه‌ی آن‌ها به طرز ناهمگونی، نام فلچر را بر خود داشتند. سومین آن‌ها تحت عنوان *خویشاوند شریف* (The Noble Kinsman) از آن یاد می‌شد. سبک نوشتاری فلچری در در دیگر مسلم است. و اگر واترسن به واقع معتقد بود که شکسپیر قسمت آخر آن را نوشته، به نظر می‌رسد پاسخی بر این سؤال نداشته که چرا نام آن درام‌نویس بزرگ در ابتدای این اثر به چشم نمی‌خورد.
۲. در فهرست کتاب‌های منتشر شده‌ی ۱۶۵۳ توسط موزلی، در پایان تعدادی از نسخه‌های مربوط به شش نمایش‌نامه‌ی متأخر (Six New Playes) از جیمز شرای (James Shirley) نام *دو خویشاوند شریف* به عنوان یک کمدی به چشم می‌خورد که توسط فرانسیس باومونت (Francis Beaumont) و جان فلچر (John Fletcher) نوشته شده است.
۳. چنین موردی در سال‌های بعد با فهرست‌های مشابه برای آثار سایر انتشاراتی‌ها نیز روی داد، این اعلامیه‌ها می‌توانستند بی‌نظیری بود از روشی تأمل‌برانگیز در سوءاستفاده از نام شکسپیر در موارد مشابه. لازم به ذکر است که نام موزلی ارتباط خاصی را با آثار باومونت و فلچر گوشزد می‌کند، سخنان او در باب تمجید از نویسندگی شکسپیر فاقد ارزش است، چرا که به نظر می‌رسد فقط برای تکریم از درام‌نویسان پیشین خود آن را نقل کرده است.
۴. عدم اشارات هم‌زمان نشانگر آن است که شکسپیر و فلچر با یک‌دیگر آشنا بوده‌اند.

۵. اشارات مستقیم لئرد دیگز (Leonard Digges) در حدود سال ۱۶۲۳ درباره‌ی شکسپیر، نشان‌دهنده‌ی نوعی تنفر او از هرگونه مشارکت ادبی است، بنابراین او باید دقت بسیار می‌کرد تا از کار مشترک با سایر درام‌نویسانی که می‌توانست در خلق صحنه‌های تأثیرگذار برایش سودمند باشد، اجتناب کند.
۶. موازات ارائه‌ی کتاب تاریخ کردنیو^۱ (The History of Cardenio) توسط موزلی، او درخواستی برای ثبت یک شرکت فروش کتاب در سال ۱۶۵۳ میلادی و در آن نام فلچر و شکسپیر را ذکر می‌کند.
۷. در نهایت، این که بسیار بعید به نظر می‌رسد قدرت بی‌مثال نمایش‌نامه‌نویسی شکسپیر و سرعت نگارش او برای صحنه، در اوج شهرتش، در گرو داشته‌ی یک همکار بسیار جوان در نوشتن نمایش‌نامه بوده باشد، بعداً با وجود این شرایط، به الگویی آشکار و اطمینان‌بخش، از ویژگی‌های شکسپیری و زبانی او، در آثاری که بخش‌هایی از آن متعلق به اوست تبدیل شده باشد.
۸. باید توجه کرد که بسیاری از مباحث مربوط به این نظریه که «شکسپیر و فلچر با هم کار می‌کردند» توسط هکسن (Hickson)، اسکیت (Skeat)، هادسن (Hudson) و دیگران رد شده است. و با این نظریه که «فلچر نمایش نیمه‌تمام شکسپیر را با دست بردن آن تکمیل و از آن خود کرده است» توسط دایس (Dyce)، استیک (Stack)، فرنیوال (Furnivall)، فلی (Fleay) و دیگران مورد تردید قرار گرفته است.

۱. درباره‌ی این اثر گفته شده است که ویلیام شکسپیر تاریخ کردنیو را با همکاری جان فلچر به رشته تحریر درآورد. که در حقیقت نمایش‌نامه‌ای بود از بازخوانی داستان دن‌کیشوت سروانتس، که در سال ۱۶۱۳ توسط کمپانی «مردان شاه» برای شاه جیمز اول به روی صحنه رفت، اما متن آن هرگز منتشر نشد. یک قرن بعد در سال ۱۷۲۷ نمایش‌نامه‌ای به نام دروغ مضاعف از نویسنده ویراستاری به نام لویس تیوبالد منتشر شد که به زعم وی، متن کتابش الهام گرفته از دست‌نوشته‌های بی‌نام و گم‌شده‌ی شکسپیر بوده که برخی معتقدند می‌تواند همین تاریخ کردنیو باشد.

قرار گرفته است. من برای ویرایش یک نمایش نامه، آزادانه آن را با نکاتی که باید به آن توجه شود، پی در پی مورد استفاده قرار می‌دهم، تا در نهایت تبدیل به ویرایشی ارزشمند شود، مانند کارهای لیتل‌دیل (Littledale) و اسکیت. من اغلب آثار را منحصراً متعلق به کسانی می‌دانم که متون متأخر را با هم مقابله می‌کنند. متن کمی مورد پاکسازی (expurgated) قرار گرفته است، اما کم‌تر از ویرایش تصویری نایت و بسیار کم‌تر از اسکیت که قصد استفاده از آن را در مدارس داشت. در این کشور، این نمایش شاید در دانشگاه‌ها خوانده شود، اما این که بخوانند آن را برای مدارس ابتدایی ویرایش کنند نامحتمل است. ویلیام جی رالفی (William J. Rolfe)
